

کتاب



یک میلیارد دلار پول گم شده بود؟

وقتی مسأله یک میلیارد و ۵۰ میلیون دلار مطرح شد و دیوان محاسبات، طی گزارشی اعلام کرد این مبلغ به خزانه واریز نشده است، با اینکه به دوره عملکرد من مربوط نبود، سه یادداشت محرمانه به سازمان حسابرسی، خزانه دار قبلی آقای فاطمی زاده و خزانه دار وقت آقای رحمت‌الله اکرمی، بدون اینکه آنها از مکاتبه من با دیگری مطلع باشند، نوشتم و نظرشان را در مورد چنین موضوعی جویا شدم.

هر سه نفر بدون اطلاع از جریان نامه‌های موازی پاسخ دادند: «در این مورد حسابرسی دیوان دارای اشتباه محاسباتی بوده و اعدادی را که به صورت جمعی و خرجی وجود دارد به صورت اعداد واقعی تلقی کرده و چنین گزارشی دارای اشتباهات فاحش است.» حتی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس نیز به این مورد رسیدگی کرد و رأی به اشتباه حسابرسی دیوان محاسبات داد. اتهام بی اساس تخلف دولت از تریبون عمومی و علنی مجلس قرائت شد، اما به رغم پیگیری‌های دولت، گزارش کمیسیون اصل ۹۰، به صورت علنی اعلام نشد. می‌دانید جالب کجاست؟ جالب این است که تهمت به دولت از طریق تریبون‌های رسمی و غیررسمی، آن هم در برهه انتخابات ۸۸ اعلام می‌شود، اما وقتی گزارش رسمی کمیسیون اصل ۹۰ مبنی بر عدم تخلف دولت صادر می‌شود این گزارش از آن تریبون‌های رسمی که تخلف دولت را قرائت کرده بودند قرائت نمی‌شود! سوابق این اشتباه در دیوان محاسبات موجود است. فارغ از این مسائل، به نظر همین برخوردها در اتفاقات بعد از انتخابات بی‌اثر نبود. به هر حال رقبای سیاسی، همین تهمت‌ها را دستاویز اتهامات دیگری چون قانون شکنی دولت قرار دادند و تنش‌زایی کردند.



پاسخ به یک ابهام درباره تورم نقطه به نقطه

تورم نقطه به نقطه یا تورم ماهانه از اعتبار عملکردی مانند تورم سالانه برخوردار نیست و اگر شخص یا دولتی بگوید من تورم نقطه به نقطه را از این رقم به این رقم رسانده‌ام، این حرف از نظر علمی و سیاستی دارای اعتبار و ارزش نیست، اما از نظر پیش بینی اقتصادی قابل اعتناست

گزارش

کتاب **محرمانه‌های اقتصاد ایران** که به مسائل اقتصادی دولت‌های نهم و دهم می‌پردازد، روایتی است از سیدشمس‌الدین حسینی وزیر امور اقتصادی و دارایی آن سال‌ها که طی روزهای اخیر و در بخش‌های ابتدایی چاپ شده از کتاب، مواردی را پیرامون نحوه همکاری خود با دولت محمود احمدی‌نژاد و همچنین در ادامه شروع اقدامات در سمت وزیر اقتصاد بیان کرده است. همچنین اشاراتی به برخی اختلافات در کابینه دولت‌های نهم و دهم داشته و در این شماره نیز به بیان خاطراتی از تعطیلی برخی اصناف طلا و جواهر برای عدم اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده پرداخت.

فقط تهران و اصفهان شلوغ شد؟

تعطیلی اصناف طلا و جواهر بیشتر مربوط به این دو استان که البته مفهوم فراگیر نداشتیم، البته سازماندهی‌هایی هم در کار بود. دست‌هایی نامرئی در کار بود. خاطریم هست رئیس اقتصاد و دارایی یکی از استان‌های نزدیک پایتخت یا من تماس گرفت و گفت اینجا همه همراه هستند ولی نام یکی از بازاریان مشهور را برد و گفت، در بازار نقل می‌شود که او از تهران تماس می‌گیرد و اصناف را تشویق به تعطیلی می‌کند. یاد می‌آید که این آقا در سال ۸۸ در جلسه‌ای که در تهران در دفترم تشکیل شده بود و با برخی معتمدان اصناف درباره مالیات بحث می‌کردیم با لحن شبیه تهدید سخن می‌گفت و هشدار می‌داد که اگر روی ضرایب افزایش مالیات، مشاغل یا همین اصناف، سازمان مالیاتی کوتاه

نیاید، چه بسا بازار تعطیل شود. جالب است بدانید این فرد یک چهره سیاسی -اقتصادی سنتی است که با تغییر دولت زبان به انتقادات تند سیاسی بر ضد دکتر احمدی‌نژاد گشود.

شما اذعان دارید که پشت سر این اتفاقات قدرت اقتصادی سیاسی قرار داشت. آیا شورای امنیت ملی یا وزارت کشور به این مسأله ورود کرد؟

چه زمانی که مرحوم «کردان» وزیر کشور بود و چه بعد از آن که آقایان «محصولی» و «نجار» در وزارت کشور و آقای جلیلی در شورای امنیت حضور داشتند، ارتباط نزدیکی در اجرای طرح‌های اقتصادی با هم داشتیم. همین تجربه مالیات بر ارزش افزوده در اجرای هدفمندی کمک زیادی به دولت کرد. من همیشه پیش خودم می‌گفتم: شاید قسمت بود که این قانون زودتر از هدفمندی اجرا شد تا ما جنبه‌های امنیتی و اجتماعی کار را خیلی جدی‌تر و دقیق‌تر در نظر بگیریم و به اصطلاح غافلگیر نشویم.

هیچ‌کس یا گروهی مانند نمایندگان مجلس، اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و... به شما نمی‌گفتند که این قانون را اجرا نکنید؟

اصلاً برعکس همه اصرار داشتند که این قانون اجرا شود. من چند وقت پیش، آمار درآمدهای مالیاتی دولت را نگاه می‌کردم، مشاهده کردم که ما در سال ۲۴،۹۲ هزار میلیارد تومان دریافتی مالیات از محل قانون مالیات بر ارزش افزوده داشتیم. چون مالیات بر ارزش افزوده پایه مصرف درگیر مالیات‌ستانی می‌کند و چون مصرف هم عموماً معادل درآمد است، یک مالیات به پایه مالیاتی اضافه می‌شود.

ما در سال ۹۲ نسبت مالیات به ارزش افزوده‌مان به کل مالیات، ۴۰ درصد شده بود. حالا اگر به ۵۰ درصد برسد، این اتفاق می‌افتد که گویی پایه‌ای به اندازه درآمد به پایه مالیاتی افزوده شده است. قانون مالیات بر ارزش افزوده یکی از خدمات بزرگی بود که در بخش درآمدهای عمومی کشور صورت گرفت.

این جزء افتخارات دولت‌های نهم و دهم است که این قانون را با تمام دشواری‌هایی که داشت و دارد اجرا کرد. با توجه به تأثیری که مالیات بر ارزش افزوده بر بخش مالیات بر عملکرد می‌گذارد می‌توان به ضرس قاطع گفت که در چند سال اخیر ما بالغ بر ۹۰ درصد مالیات‌ها را وصول کرده‌ایم. امروز در بسیاری از بخش‌ها، وقتی فردی به مالیات بر عملکردش اعتراض می‌کند به استناد همین قانون مالیات بر ارزش افزوده مدارک و فاکتورهایی به او ارائه می‌شود که فرد ناگزیر به قبول نظر سازمان مالیاتی است، منتها این در صنوف مختلف متفاوت است.

اصنافی که عملکرد اقتصادی غیرشفافی داشتند بیشتر روی عدم آموزش تأکید داشتند و دنبال بهانه بودند. برای مثال رئیس اتحادیه طلافروشان یکی از استان‌های همجوار تهران که سالانه فقط ۱۵۰ هزار تومان مالیات می‌داد، طبعاً به چنین رویه‌ای اعتراض و در فضای اقتصادی کشور تنش ایجاد می‌کرد. حالا قانون مالیات بر ارزش افزوده تبدیل به پایلوتی برای درک بهتر مسائل اجتماعی - رسانه‌ای - سیاسی طرح‌های اقتصادی شده بود. ضمن اینکه باید بدانیم ما در حال حاضر در مرحله‌ای از اصلاحات در اقتصاد ایران قرار گرفته‌ایم که جنبه‌های سیاسی - اجتماعی - فرهنگی طرح‌های اقتصادی بسیار تأثیرگذار است. امروز باید به سمت اصلاح ساختار مالیاتی

و قیمت‌های نسبی حرکت کنیم که جنبه‌های اجتماعی فراوان دارد. با اجرای طرح جامع مالیاتی که در اواخر دوران وزارت بنده به ثمر رسید و آغاز شد در کنار قانون مالیات بر ارزش افزوده یک ظرفیت بسیار بزرگی برای اقتصاد ایران فراهم شده است که ان‌شاءالله در نظام مالیاتی شاهد تحولات مثبت و بزرگ خواهیم بود.

تاریخ نشان می‌دهد در یک برهه‌ای، اوضاع یسزدت بحرانی شد. آن روزها چه طور مدیریت شد؟

وقتی مسائل پیچیده شد و به این مراحل رسید، دستور تشکیل ستادی را دادم که خودم هم مسئول آن شدم. البته مسائل فنی بر عهده سازمان مالیاتی بود و ما بیشتر در جنبه‌های کلان و مدیریتی نقش داشتیم. در جلساتی که با مسئول بسیج اصناف برگزار کردیم خودم حضور داشتم و حتی ماه رمضان در افطاری آنها شرکت و سخنرانی کردم که تا حدودی هم مؤثر واقع شد و آنها در فاز دوم در گفت‌وگو‌هایی با رسانه‌ها از اجرای این قانون حمایت کردند.

آن زمان مطالبی تحت عنوان «این ۵ نفر بازار طلا را به تعطیلی کشاندند» در رسانه‌های کشور منتشر شد و همان موقع با شکایت برخی از بازاری‌ها مواجه



تعطیلی اصناف طلا و جواهر بیشتر مربوط به این دو استان که البته استان‌های مهمی هستند بود. شلوغی، آن هم به مفهوم فراگیر نداشتیم، البته سازماندهی‌هایی هم در کار بود. دست‌هایی نامرئی در کار بود. خاطریم هست رئیس اقتصاد و دارایی یکی از استان‌های نزدیک پایتخت یا من تماس گرفت و گفت اینجا همه همراه هستند ولی نام یکی از بازاریان مشهور را برد و گفت، در بازار نقل می‌شود که او از تهران تماس می‌گیرد و اصناف را تشویق به تعطیلی می‌کند. یاد می‌آید که این آقا در سال ۸۸ در جلسه‌ای که در تهران در دفترم تشکیل شده بود و با برخی معتمدان اصناف درباره مالیات بحث می‌کردیم با لحن شبیه تهدید سخن می‌گفت و هشدار می‌داد که اگر روی ضرایب افزایش مالیات، مشاغل یا همین اصناف، سازمان مالیاتی کوتاه نیاید، چه بسا بازار تعطیل شود. جالب است بدانید این فرد یک چهره سیاسی -اقتصادی سنتی است که با تغییر دولت زبان به انتقادات تند سیاسی بر ضد دکتر احمدی‌نژاد گشود

